



**Hamid Dabashi, *The Shahnameh: The Persian Epic as World Literature*. New York: Columbia University Press; 2019. 272 pp. ISBN: 978-0231183444. 18.5\$**

[حمید دباشی، *شاهنامه حماسه ایرانی به منزله ادبیات جهان*، نیویورک: انتشارات دانشگاه کلمبیا، ۲۰۱۹، ۲۷۲ صفحه، شابک: ۹۷۸۰۲۳۱۱۸۳۴۴۴، قیمت ۱۸ دلار و ۵ سنت]

*شاهنامه* شعر حماسی سترگی است که اساس آن بازگفت تاریخ ایران در دوران اساطیری، حماسی و تاریخی است. بی‌تردید، این حماسه قلب تپنده ادبیات و فرهنگ ایرانی است. حکیم ابوالقاسم فردوسی (۳۲۹-۴۱۶)، سراینده این اثر کوه‌پیکر، بالغ بر سی سال بر سر این کار عظیم، وقت گذاشت و نهایتاً در سال ۴۰۰ هجری آن را به اتمام رساند. «*شاهنامه* بلندترین شعر حماسی در جهان است که به اتمام یک تن سروده شده است» (دباشی ۲۰۱۹: ۱۰). *شاهنامه* در طول تاریخ درازآهنگ خود، نسل‌های مختلف خوانندگان را به خود مشغول کرده و تأثیر ژرفی بر فرهنگ، جامعه، سیاست ایرانی داشته و به نوعی آن را شکل داده است. متجاوز از یک هزاره، ایرانیان و فارسی‌زبانان در سراسر این جهان پهناور، *شاهنامه* را خوانده‌اند، اشعار آن را حفظ کرده‌اند، آن را تجزیه و تحلیل کرده‌اند، داستان‌های آن را اجرا کرده‌اند، از آن اقتباس کرده‌اند و در گذر دراز قرون و اعصار گذشته، آن را دوست داشته‌اند و هم‌اکنون نیز دارند. کتاب ارزشمند *شاهنامه حماسه ایرانی به منزله ادبیات جهان* ۱ (۲۰۱۹) اثر حمید دباشی به بررسی این حماسه ایرانی به منزله ادبیات جهان می‌پردازد.

پیش از دباشی محققان ایرانی و انیرانی درباره این اثر، تکیه‌های مهمی به زبان‌های اروپایی، به‌ویژه انگلیسی، نوشته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: *حماسه ملی ایران* ۲ (تئودر نولدکه ۱۹۲۰)، *فردوسی و هنر حماسه تراژیک* ۳ (امین بنانی ۱۹۸۸)، *فردوسی: زندگینامه انتقادی* ۴ (علی‌رضا شاپور شهبازی ۱۹۹۱)، *ادبیات*

<sup>1</sup> Hamid Dabashi's *The Shahnameh: The Persian Epic as World Literature*

<sup>2</sup> Theodore Nöldeke's *Das iranische Nationalepos* (The Iranian national epic)

<sup>3</sup> Amin Banani's "Ferdowsi and the Art of Tragic Epic"

<sup>4</sup> A. Shapur Shahbazi's *Ferdowsi: A Critical Biography*

تطبیقی و بوطیقای کلاسیک فارسی ۱ (الگا دیویدسون ۱۹۹۹)، شاعر و پهلوان در کتاب شاهان پارس ۲ (الگا دیویدسون ۲۰۰۶)، حماسه و نافرمانی: بررسی شاهنامه فردوسی ۳ (دیک دیویس ۲۰۰۶)، بوطیقا و سیاست در حماسه ملی ایران ۴ (محمود امیدسالار ۲۰۱۱) و حماسه ایرانی و امپراتوری آمریکایی ۵ (محمود امیدسالار ۲۰۱۲). افزون بر این‌ها می‌توان به ویژه‌نامه مجله ایران‌شناسی (۲۰۱۵)، به قلم محققان مختلف، با عنوان «شاهنامه به منزله ادبیات جهان» نیز اشاره کرد.

کتاب شاهنامه حماسه ایرانی به منزله ادبیات جهان (۲۰۱۹) دارای پیش‌گفتار، مقدمه، کتاب‌نامه، نام‌نامه، پنج فصل و یک مؤخره است. عناوین فصول پنجگانه آن عبارت‌اند از: ۱. حماسه پارسی، ۲. فردوسی شاعر، ۳. کتاب شاهان، ۴. حماسه‌ها و امپراتوری‌ها و ۵. امپراتوری‌ها فرومی‌افتند و ملت‌ها برمی‌خیزند. کتاب حاضر تحقیقی فراخ‌دامن درباره شاهنامه در پرتو مباحث پسااستعماری است. دباشی از نگارش این کتاب دو هدف عمده دارد: الف. معرفی این حماسه کم‌نظیر به دانشجویان و خوانندگان فرهیخته (به آنانی که انگلیسی می‌دانند) و ب. به‌چالش کشیدن مفهوم «ادبیات جهان»<sup>۶</sup> در محافل دانشگاهی غرب. به گفته دباشی، در بررسی شاهنامه به منزله اثری از ادبیات جهان، قبل از هر چیز لازم است جهان اروپامحور را از نو بررسی کنیم. امروزه مراد از «جهان» در «ادبیات جهان»، جهان («غربی») خیالی است (دباشی ۲۰۱۹: ۱۱). این کتاب، در واقع تجربه زیسته نویسنده است. به دیگر سخن، محصول سال‌ها تدریس شاهنامه به دانشجویان- با پیشینه‌های فرهنگی مختلف- در دانشگاه کلمبیای نیویورک است: «غرض من از نگارش این کتاب آن است که همه چیز درباره شاهنامه را به شما بگویم، تمام آن چیزهایی که از خواندن و تدریس این حماسه پارسی در طول عمر آموخته‌ام» (۲۰۱۹: ۳). در جای دیگر می‌گوید: «در کلاس‌هایم درباره حماسه‌ها و امپراتوری‌ها، شاهنامه فردوسی را پیش چشم چندین نسل از دانشجویان آمریکایی و غیرآمریکایی گذاشته‌ام و از آن‌ها خواسته‌ام که آن را بخوانند و در شگفت شوند» (۲۰۱۹: ۲۶).

فصل اول به تبارشناسی حماسه ایرانی، معرفی ژانر حماسه‌سرایی و خاستگاه پیشااسلام آن تا قرن پنجم هجری و سرایش شاهنامه و رخدادهای تاریخی پس از آن می‌پردازد. دباشی در این فصل، گزارشی مفصل از زمینه‌های اجتماعی و تاریخی عرضه می‌کند که فردوسی در آن جو و فضا اثر سترگش را به قلم آورد.

شاهنامه تنها دستاورد یک عمر کوشش شاعرانه فردوسی است؛ از این رو، نویسنده در فصل دوم به سروقّت فردوسی شاعر می‌رود و پست و بلند زندگانی

<sup>1</sup> Olga Davidson's *Comparative Literature and Classical Persian Poetics: Seven Essays*

<sup>2</sup> Olga Davidson's *Poet and Hero in the Persian Book of Kings*

<sup>3</sup> Dick Davis's *Epic and Sediton: A Case of Ferdowsi's Shahnameh*

<sup>4</sup> Mahmoud Omidisalar's *Poetics and Politics of Iran's National Epic*

<sup>5</sup> Mahmoud Omidisalar's *Iran's Epic and America's Empire*

<sup>6</sup> World Literature

او و زمینه تاریخی سرایش اثرش را می‌کاود. به گفته او این دهقان‌زاده جوان عزم کرد و نیت جزم که با روایت ساختارمندش اسطوره‌های فراموش‌شده، پهلوانان مغفول‌مانده و تواریخ پراکنده ملتی را احیا کند. در واقع «این قدرت ذوق و قریحه خیال‌انگیز فردوسی شاعر بود که داستان‌های فراموش‌شده را زنده کرد و بدان‌ها پیچ‌وتاب زیبا و ارزش و اهمیت ماندگاری بخشید» (دباشی ۲۰۱۹: ۲۹).

فصل سوم با معرفی بخش‌های سه‌گانه شاهنامه آغاز می‌شود. سپس، مؤلف، مشهورترین و نیرومندترین داستان‌های آن- یعنی ضحاک ستمگر، رستم و سهراب، رستم و اسفندیار، سیاوش و سودابه و بیژن و منیژه- را برمی‌رسد و جوهره آن‌ها را برمی‌شمرد. وی از سویی بر آن است که نگاهی انتقادی برای خوانش این داستان‌ها عرضه کند و از دیگر سو کنجکاو خوانندگان را نسبت به موضوع زمان و روایت؛ یعنی درآمیختگی بخش‌های سه‌گانه، برانگیزاند.

نویسنده در فصل چهارم می‌کوشد تا تاریخ اقبال/ پذیرش شاهنامه را در دوره سامانیان، غزنویان و امپراتوری‌های بعدی، از جمله مغول‌ها، صفویان و عثمانی‌ها دنبال کند؛ از این رو، وی درصدد کشف ارتباط بین نسخه‌های مصور شاهنامه در دربارهای این خاندان‌ها و مشروعیتی است که آنان از طریق این اثر کسب می‌کردند. به علاوه، وی داستان جذاب شاهنامه شاه‌طهماسبی (معروف به شاهنامه هوتون<sup>۱</sup>) را نقل می‌کند که در گذر دراز سالیان، حوادث مختلفی را از سر گذرانده است.

فصل پنجم درباره تاریخچه متأخر شاهنامه، استفاده و سوءاستفاده‌های سیاسی از آن برای طرح‌های ملت‌سازی در ایران و دیگر جاها در جهان فارسی‌زبان است. در این فصل، دباشی تاریخچه شاهنامه را در دو مسیر بزرگ برمی‌رسد: الف. خاستگاه سلطنتی آن و ب. مقصد پسااستعماری آن در گرماگریم ملت‌سازی (دباشی ۲۰۱۹: ۱۳).

دباشی در خلال مقدمه، فصول پنجگانه و به‌ویژه در مؤخره کتاب به ارتباط بین شاهنامه فردوسی و نظریه ادبیات جهان می‌پردازد. او بر آن است تا به خواننده نشان دهد که شاهنامه را باید خواند و از آن لذت برد؛ به خاطر آنچه که هست- به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای حماسی جهان؛ نه در پرتو نظریه‌های اروپامحور «ادبیات جهان»؛ برای نمونه دباشی دو کتاب نسبتاً متأخر که به اهتمام دو تن از استادان ممتاز و متخصص این حوزه نوشته شده- حماسه و امپراتوری: سیاست و قالب عام از ویرژیل تا میلتون<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) اثر دیوید کوینت و حماسه مدرن: نظام جهانی از گوته تا گارسیا مارکز<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) اثر فرانکو مورتی- را به عنوان چهارچوب نظری لحاظ می‌کند؛ البته او به دیگر آثار نظری نوشته‌شده در این حوزه مانند آثار

<sup>1</sup> Houghton Shahnameh

<sup>2</sup> David Quint's *Epic and Empire: Politics and Generic Form from Virgil to Milton*

<sup>3</sup> Franco Moretti's *The modern epic : the world-system from Goethe to García Márquez*

دیوید دمراش<sup>۱</sup>، امیلی اپتر<sup>۲</sup>، و پاسکال کازانووا<sup>۳</sup> نیز اشاره می‌کند. به گفته او در این آثار از حماسه‌های غیراروپایی، از جمله *شاهنامه* فردوسی، حتی ذکری به میان نیامده است. به باور او نظریه‌های امروزی ادبیات جهان کاملاً اروپامحور هستند: «درواقع آن [ادبیات جهان] چیزی نیست جز بومی‌گرایی حیرت‌آور نظریه‌پردازان اروپایی/آمریکایی که می‌پندارند زادگاه کوچکشان مرکز عالم است و هرگز به خود زحمت نمی‌دهند دیگر عوالم فراسوی تخیل محدود خود را نیز بشناسند» (۲۰۱۹: ۱۸۰). اکنون وظیفه ما غیراروپاییان چیست؟ به گفته دباشی «ما می‌توانیم، با همان زبان انگلیسی، آنچه آنان به طور عام نظریه‌مند می‌کنند، نانظریه‌مند کنیم؛ یعنی آنچه آنان تعمیم می‌دهند ما باید تخصیص دهیم و از تخت به زیر کشیم» (۲۰۱۹: ۱۹). نظرات دباشی درباره پاره‌ای از نظریه‌پردازان ادبیات جهان مصداق دارد و می‌توان با او در این زمینه هم‌داستان بود؛ اما به گمانم همه آن‌ها را در یک دسته قرار دادن، دور از احتیاط علمی است؛ برای نمونه نظرات دمراش و کازانووا را نمی‌توان در یک گروه قرار داد. شاید نظرات دباشی درباره کازانووا درست باشد؛ اما درباره دمراش، به گواهی آثارش، صدق نمی‌کند.

دباشی بر این باور است که *شاهنامه* در این قالب‌های تنگ اروپامحور نمی‌گنجد؛ مثلاً الف. برخلاف نظر مورتی که معتقد است پاره‌ای از حماسه‌های مدرن اروپایی «اراده معطوف به قدرت» را بازمی‌تاباند، شاعران و نویسندگان معاصر ایرانی - مانند اخوان، دانشور، کسرای و... - *شاهنامه* فردوسی را برای نبرد با قدرت و امپریالیسم به خدمت گرفتند؛ پنداری «اراده معطوف به نبرد» را بازمی‌تاباند و ب. یا برخلاف نظر کوینت که دو مسیر برای حماسه‌های اروپایی متصور است و آن‌ها را به حماسه ظفرمندان برندگان (که پیروزمندان، خطی، غایت‌شناسانه و جبرگرایانه است) و حماسه شکست‌مندان بازندگان (که تأمل‌آمیز، نجات‌بخش، تکراری و مدور است) تقسیم می‌کند، *شاهنامه* فردوسی مطلقاً نه این است و نه آن؛ بلکه آمیزه‌ای است از هر دو. در واقع به باور دباشی عواطف درونی و درس‌های اخلاقی *شاهنامه* به نمایشنامه‌های شکسپیر، مانند *هملت* و *شاه‌لیز* نزدیک‌تر است تا حماسه‌های اروپایی.

کتاب حاضر چند ویژگی درخور توجه دارد: الف. مقدمه، مؤخره و فصول پنجگانه کتاب با خلاصه یکی از داستان‌های مشهور *شاهنامه* (به ترتیب ضحاک ستم‌پیشه، رستم و سهراب، سیاوش و سودابه، رستم و اسفندیار، بیژن و منیژه و سهراب و گردآفرید)، بیت یا ابیاتی از *شاهنامه* و نگارگری‌های ایرانی آغاز می‌شود، ب. از آنجا که دباشی دستی هم در سینما دارد گه‌گاه به ویژگی‌های سینماگونه برخی از داستان‌های *شاهنامه* نیز اشاره می‌کند: «یکی از ویژگی‌های برجسته روایت

<sup>1</sup> David Damrosch

<sup>2</sup> Emily Apter

<sup>3</sup> Pascale Casanova

حماسی فردوسی کاربست چیره‌دستانه فنون سینمایی است؛ روشی که او صحنه‌ای را «کات» و «ادیت» می‌کند» (۲۰۱۹: ۷۹)، ج. مؤلف در خلال بعضی فصول، تفسیر(های) روان‌کاوانه بدیعی از پاره‌ای از داستان‌های شاهنامه عرضه می‌کند؛ برای نمونه‌ای درخشان بنگرید به تفسیر روان‌کاوانه/ فرویدی از صحنه رویارویی سهراب و گردآفرید و باقی ماجرا (دباشی ۲۰۱۹: ۶۱ و ۱۸۸) و د. از آنجا که غریبان مخاطبان اصلی این کتاب هستند، دباشی گه‌گاه عبارات و عناوینی از آثار غربی برگزیده است تا توجه آن‌ها را بیش از پیش جلب کند؛ مثلاً فصل اول را این‌گونه می‌آغازد: «او را رستم خطاب کنید» (۲۰۱۹: ۳۶) که یادآور سطر آغازین رمان موبی دیک هرمان ملویل<sup>۱</sup> است: «مرا اسماعیل خطاب کنید». یا یکی از زیرعنوان‌های فصل دوم «مادران و پسران» است که تداعی‌گر رمان پدران و پسران ایوان تورگنیف<sup>۲</sup> است.

نویسنده در مقدمه کتاب گفته است: «غرض من آن است که کتابم را به زبانی بسیار ساده و دسترس‌پذیر برای همکاران، دانشجویان و دیگر خوانندگان تحصیل‌کرده [غربی] بنویسم و آنان را به خواندن این کتاب شگفت‌آور دعوت کنم» (دباشی، ص. ۲۸). اگر انصاف به خرج دهیم، درمی‌یابیم که توفیق، رفیق راه نویسنده بوده و او بدین مهم دست یافته است. کتاب شاهنامه حماسه ایرانی به منزله ادبیات جهان تحقیقی ارزشمند در زمینه شاهنامه و ادبیات جهان است. مطالعه آن نه تنها برای عموم خوانندگان، بلکه برای استادان و دانشجویان ادبیات فارسی، ادبیات تطبیقی و جهان نیز سودمند است.

مصطفی حسینی

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه  
بوعلی سینا همدان، ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> Herman Melville's *Moby-Dick*

<sup>2</sup> Ivan Turgenev's *Fathers and Sons*

**Hamid Dabashi, *The Shahnameh: The Persian Epic as World Literature*, New York. Columbia University Press, 2019. 272 pp, ISBN: 978-0231183444.**

**Mostafa Hosseini<sup>1</sup>**

**Abstract**

Hamid Dabashi's *The Shahnameh: The Persian Epic as World Literature* (2019) is comprised of a foreword, an introduction, five chapters, a conclusion and an appendix. The chapters are entitled as follows: The Persian Epic, Ferdowsi, the Poet, The Book of the Kings, Epics and Empires, and Empires Fall and Nations Rise. The book is a study in the field of "World Literature". It is strongly contextualized in post-colonial debates. The author has two major goals in mind: a) to introduce *The Shahnameh*, to the Western readers, notably students (those who know English) and b) to challenge the concept of "World Literature" in the Western academia. To Dabashi, in our re-conceptualizing *the Shahnameh* as world literature, first and foremost, the Eurocentric world needs to be reassessed. The "World" in "World Literature," as we use the term today, is an imaginary ("Western") world— an imperial, colonial world. The Present book is the product of the author's many years of teaching at Columbia University. The first chapter is about the genealogy of the *Shahnameh*, the introduction of the genre of epic writing and its pre-Islamic origin. In chapter two, the biography of Ferdowsi and the historical context of the *Shahnameh* are described. Chapter three deals with three main components of the *Shahnameh* (the mythical, heroic, and historical) and its famous and powerful stories. Next chapter traces the history of the *Shahnameh* in different periods. Finally, the last chapter discusses the later history of the *Shahnameh* and its political uses and abuses.

**Keyword:** World Literature, *the Shahnameh*, Epic, Dabashi

---

<sup>1</sup> Assistant professor of English Literature, English Department, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran